

اوجنیو گالدی یری  
ترجمه ع. روح بخشان

## باغ چهلستون: ملاحظات بیشتری در زمینه رابطه میان عمارت کلاه‌فرنگی و باغهای پیرامون\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخی و هنری وجود داشته‌است. رشد روزافزون شمار خودروهای خیابانی، هم‌دربخش خصوصی و هم‌در بخش دولتی، سبب نابودی وضعی شده است که خود به سختی دچار خطر شده بود.

نتیجه این وضع موجود است و هر کس می‌تواند آن را ببیند: بی‌تفاوتی حکمرانان قاجار که شیفتگی به شیوه‌های اروپایی را به دنبال داشت و سبب بی‌توجهی به سنت‌های ملی شد، منطبقاً به نوگرایی شتابزده سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۵۴ انجامیده که در طی آن بولوارهای فراخ و فضاگیر و میدان‌های وسیع و عظیم جای فضاهای منطقی گذشته را گرفتند. ما در اروپا این رفتار را «بیماری فضاهای بیشتر» می‌نامیم، که در واقع نتیجه‌ای نداشته‌است جز این که یادمان‌های تاریخی فدای فضاهای پر زرق و برق منفرد شده‌اند. نمونه این وضع بنای

نتیجه دگرگونی‌هایی است که در نقشه شهر در این مرکز تاریخی روی داده‌اند.

از این دیدگاه، گفتار من می‌تواند همچون رویکرد ناچیزی در جهت درک بهتر چگونگی پیدایی و شکل‌گیری عمارت و توسعه آن به حساب آید.

در ابتدا می‌خواهم بر این نکته تأکید بورزم که در طی سی سال گذشته فعالیتها و کوشش‌های بسیار در جهت حفظ و حمایت یادمان‌های ایرانی صورت گرفته‌است، اما توجه جدی به ساختمان‌های منفرد همواره با توجه کافی به فضاهای پیرامون آنها همراه نبوده است. این فقدان جدیت همواره همچون یک ضرورت قلمداد شده است اما غالباً ناهماهنگی نامطلوبی میان آرای شورای شهر در جهت توسعه سریع آن و ضرورت حفظ میراث

من فکر نمی‌کنم که بتوانم مطلب تازه‌ای بر آن چه همکاران دانشمندم گفته‌اند بیفزایم، آن هم در همایشی که کلاً به بررسی تاریخ باغ‌های ایرانی و هنر باغ‌آرایی اختصاص دارد. در نتیجه، در مقام یک معمار گفتار خود را به بررسی فضای پیرامون عمارت سلطنتی چهلستون اصفهان و ارائه اطلاعات مربوط به آن که تاکنون ناشناخته مانده‌اند و در ضمن کاوش‌های سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ به دست آمده‌اند، محدود می‌کنم. این فضا در طول زمان آسیب‌های جدی دیده است که بخشی از آنها ناشی از دستکاری‌هایی است که در عصر خود صفویان در آن صورت گرفتند، و بخشی دیگر که متأخر هستند

\* مشخصات اصل مقاله چنین است:

Eugenio GALDIERI, "Bagh-e Chehel Sotun, Esfahan: Further Observations on the relation between the Pavillon and Surrounding Gardens".



معروف به «تالار تیموری» است که تا پیش از سال ۱۳۵۹ «باشگاه افسران ارتش» شده بود. اکنون ثابت شده است که عمارت اصلی خیلی کوچکتر بوده و اکنون اندازه آن دو برابر شده است. آفت جدی هجوم جهانگردان و اولویتها، که نتیجه درگرفته شدن جنگ تحمیلی بودند بیگمان بر پاره‌ای از برنامه ریزیهای شهری تأثیر گذاشتند، و در این میان کوشش در راه پاکیزه کردن و زیباتر کردن اصفهان به کم توجهی به بخش قدیمی شهر و میراث هنری و تاریخی موجود در آن بخش انجامیده است.

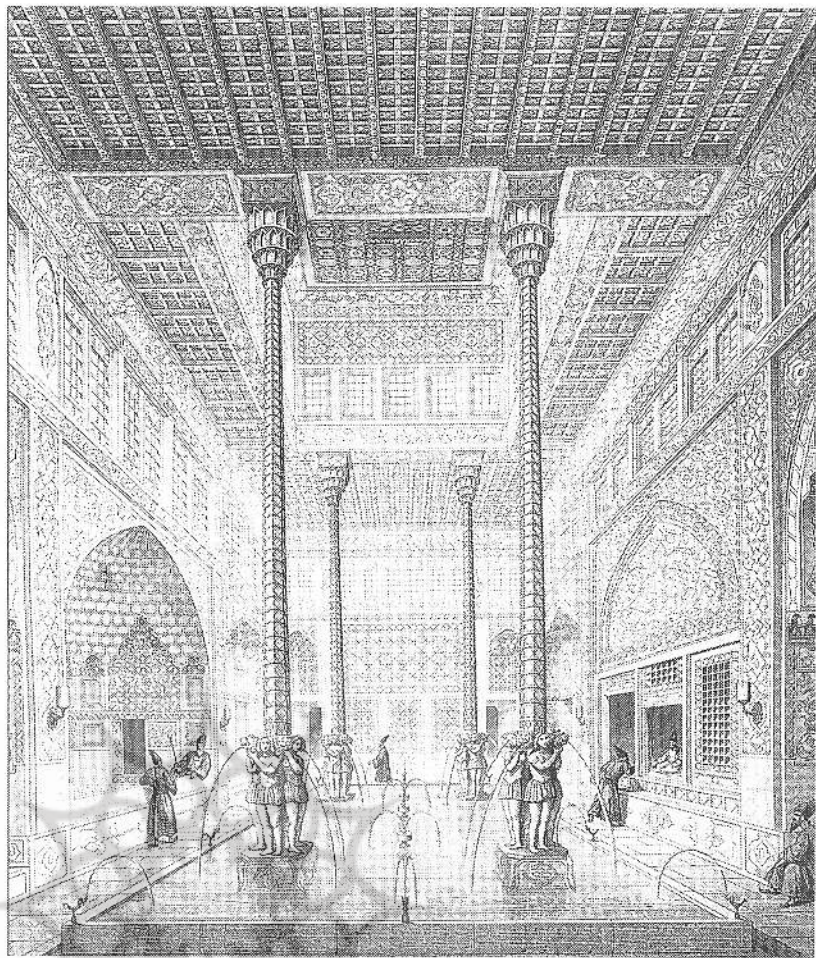
اکنون به عمارت چهلستون، باغهای آن، پیرامون آن و اطلاعاتی که در طی کاوشهای سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ فراهم آورده شده‌اند، باز گردیم.

برای گفت‌وگو در این زمینه با اشاره به نتایج تاریخی و فنی‌یی که در زمینه چهار مرحله ساخت عمارت به دست آمده‌اند، آغاز می‌کنم. این نکته معروف همگان است که آخرین مرحله ساخت عمارت چهلستون یکی از نمونه‌های اندک بازمانده از گروه عمارتهای سلطنتی است که موجب تمایز پایتخت جدید صفویه شدند. بسیاری از بناهای دیگر از میان رفته‌اند و نام و نشان آنها فقط در گزارشهای دقیق مسافران، کشیشان و تاجران قدیم اروپایی بازمانده است.

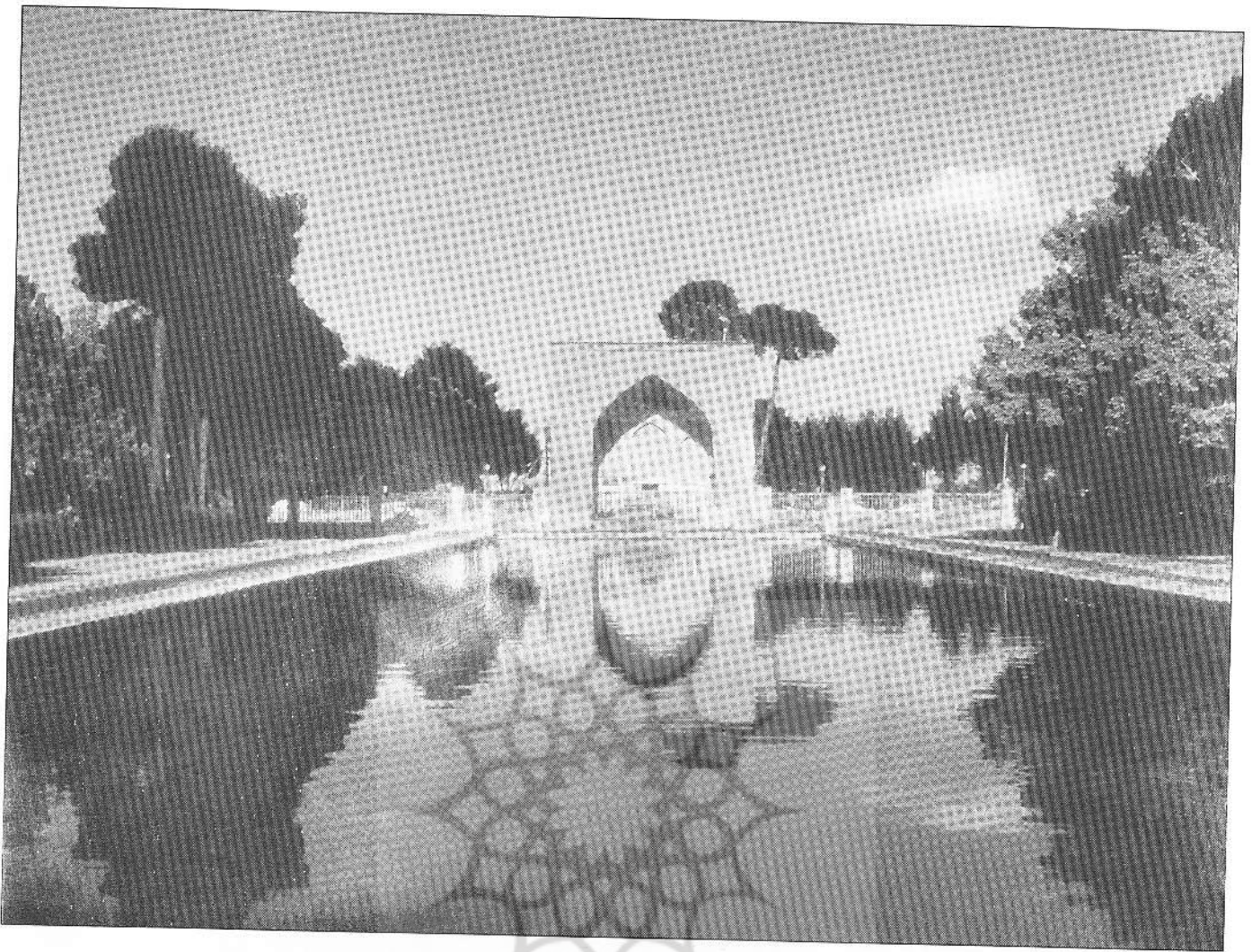
بر پایه مطالعات و تحقیقات هیئت ایتالیایی که در ارتباط کاملاً نزدیک با کارشناسان و دانشمندان ایرانی کار کرده‌اند، باغ چهلستون برای آن ایجاد شد که در برگزیده اولین بنای صفوی - که نامش را نمی‌دانیم - باشد. این عمارت یکی از عمارتهای بارعام بود که در میان کاخ سلطنتی ساخته شدند و به احتمال قوی به فرمان شاه عباس اول (میان سالهای ۱۰۱۱ تا ۱۰۳۹ ق) بنا شده است.

این اولین عمارت هنوز هم وجود دارد و می‌توانیم امروزه آن را در جانب غربی باغ مشاهده کنیم: یک تالار بارعام وسیع با سه گنبد بر فراز آن که اتاقهای کوچک در دو طبقه در پیرامون آن جای دارند. من فکر نمی‌کنم که در آغاز کار جای خاصی برای شاه (شاه‌نشین) پیش‌بینی شده باشد، شاید به این دلیل که این تالار برای پذیراییهای بسیار مهم ساخته شده بود. محور معماری ساختمان (یعنی محور هندسی آن) با محور سه گنبد (تقریباً در سمت شمال-جنوب) انطباق دارد و لذا نسبت به آن حالت عمودی داشته است.

نخستین تغییر مهم در وضع ساختمان بعداً صورت گرفت که البته تاریخ دقیق آن معلوم نیست و در ضمن آن دو ساختمان یا «پیش‌بنا» با پنج طاق قوسی بدون سقف ایجاد شد. این دو «پیش‌بنا» در







هدف از این تغییرات به وجود آوردن یک عنصر پشتیبان برای یک ساختمان چوبی و شکوهمند عظیم بوده است. عمارت اول که با دو «پیش‌بنا» تکمیل شده بود، اکنون از طریق یک کف و دو ستون چوبی افزوده شده یکپارچه شد و عملاً به صورت یک تالار واقعی درآمده بود که قسمت پشت آن یعنی ایوان شرقی عمارت اول صورت شاه‌نشین پیدا کرده بود. در برابر این ایوان حوضی ساخته شد که بعدها پر شد و از میان رفت تا این که آثار آن ضمن کارهای ما کشف شدند (در نقشه‌های لاکوست از سال ۱۲۵۷ق و بودوئن از سال ۱۳۱۲ش آثار این حوض دیده می‌شوند).

اگر برای یک گزارش مفصل دیگر و برای یک رقم ابجد که تاریخ سال ۱۱۱۸ق را نشان می‌دهد، اعتبار قائل شویم باید بگوییم که این شاه‌سلطان حسین بود که شکل روشن و کامل ظاهر این مجموعه از بناها را پدید آورد. این امر با نامی که امروزه به صورت «چهلستون» معروف است و این که مفهوم عدد چهل به معنای «فراوان» به کار

دو سوی ایوانی که در جانب شرقی قرار داشت، ساخته شدند، و در نتیجه محور هندسی مجموعه ساختمانیها به مقدار ۹۰ درجه تغییر کرد. البته ما در این جا به یک سابقه شگفتی آور برخورد کردیم: نوعی چرخش مشابه در همین مجموعه از بناهای سلطنتی که آن هم به فرمان شاه‌عباس اول صورت گرفته بود، نهایت این که هدفی کاملاً متفاوت داشته است، هدفی که در آن جنبه سیاسی بر جنبه فنی آن چیره بوده است!

ممکن است که این هر دو بخش تازه به گونه‌ای کاملاً استادانه برای تغییر کامل زیبایی ظاهری ساختمان آن هم فقط چند سال بعد از بنای اصلی افزوده شده باشند، (در واقع یک کتیبه گچی حاوی نام شاه‌عباس دوم است و تاریخ ابجدی سال ۱۰۵۷ق را نشان می‌دهد). اگر تقسیم‌بندی داخلی و ساختار سقف‌دار را که دستکاری نشده است کنار بگذاریم، سه دیوار بیرونی هر یک از «پیش‌بنا»ها چندین متر ارتفاع داشته‌اند و در نتیجه سقف آن قسمت به صورت اولیه خود باقی مانده است.





می‌رفته‌است، هماهنگی دارد. در واقع، در جلو یا پیشانی تالار و با ادامه ساختمان در جهت محور جدید شرقی-غربی یک تالار باز با یک سطح صاف پوشیده با هجده رأس چنار شکوهمند ساخته‌شد. باتوجه به دو ستون که در مرحله دوم بنا شده‌اند، بیست ستون پدید می‌آید که در حوض وسیع و دراز جانب شرقی عمارت منعکس می‌شوند [و چهل ستون پدید می‌آورند]. همچنین فضای مرکزی محوطه جدید با یک حوض مرموزینت یافته بود که آب آن از چهار فواره سنگی به شکل شیر تأمین می‌شد.

یک بررسی اجمالی که کمفر [Kaempfer، حرف p تلفظ نمی‌شود] در سال ۱۱۲۴ق. چاپ کرده است هر چند که در سال ۱۰۹۱ق. آن جا را دیده بوده است، منبعی قابل اعتماد و معتبر برای آن روزگار است. در این بررسی فقط عمارت ستوندار که بنا بر رسم زمانه با حفاظهای ناشیانه پوشش یافته‌است، گزارش شده است. چنان که ملاحظه می‌شود این تصویر در تضاد آشکار با گزارش اسلوتان (Sloane) که اخیراً به وسیله مهوش عالمی چاپ شده است، قرار دارد.

عمارت نهایی، که نتیجه به هم پیوستن سه ساختمان متفاوت است، سبب پدید آمدن نوع تازه‌ای در ساختمانسازی شد که در محور اصلی ادامه یافت و به صورت سرمشق عمارتهایی درآمد که به نام عمارت «آینه خانه» معروف است و اولین نمونه آن در آن سوی رودخانه ساخته‌شد.

تردیدی نیست که تغییراتی که در این جا وصف کردیم و در طول کمتر از یک قرن روی دادند، تأثیری عظیم بر تحول و سازماندهی فضای آزاد اطراف عمارات گذاشتند. متأسفانه گمان نمی‌کنم که هیچ‌گونه اطلاع تاریخی معتبری درباره خود باغ تاکنون دستیاب شده باشد، و خودم مشخصاً هیچ تحقیق خاصی را که در زمینه دیرینه‌نگاری عمارات صورت گرفته باشد سراغ ندارم. با توجه به این که فضاهای مورد تحقیق ما هیچ گونه شباهتی با شکل اولیه خود ندارند هرگونه تحقیق در این زمینه ناممکن می‌نماید.

با وجود اینها، با توجه به اطلاعات تأیید شده و شناخت محدوده‌های فضاهای مختلف می‌توان فرضیه‌های معتبری ارائه داد:

الف) در طول محور اصلی دو حوض وجود داشته‌است، که فقط نشان حوض غربی در برخی از نقشه‌های قدیمی دیده می‌شود. این حوض مدتی پر شده‌بوده است شاید برای این که راه جهت رساندن مصالح به ساختمانهای تازه احداث هموار شود، و در همان جا بود که تنها «تئاتر مردمی» اصفهان که در سال ۱۳۴۷ ویران شد، پا گرفت. ما در کاوشهای سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ قسمتی از حوض را از زیر خاک بیرون آوردیم تا وجود آن را ثابت کنیم.

با فرض این که، از جانب راست (در مرحله اول) نخستین عمارت با دو حوض مهندسی و یک محور رابط میان دو ایوان ویران شد - چنان که در عمارت هشت بهشت نیز همین طور شد - سرانجام عمارت جانب شرقی ویران یا جا به جا شد. و این امر در زمانی صورت گرفته که آن دو «پیش‌بنا» (مرحله دوم) ساخته شدند و یا در زمانی که سقف رابط به عمارت افزوده شد (مرحله سوم)، در نتیجه در وقتی که آخرین عمارت ساخته شد حوض باز هم به سمت شرق تغییر محل داد (مرحله چهارم).

ب) ورودی باغ. همین دگرگونی باید در مورد محل عبور از آن جا به «باغ انگورستان» و از آن جا به ایوانی که هنوز هم باقی است، روی داده باشد هر چند که باغ، مخصوصاً در جانب شرقی آن سخت آسیب دیده است.

این باغ مدخل رسیدن به فضای تالار تیموری بود، یعنی عمارت دیگری که محور هندسی آن از میان یک راهرو پوشیده از نه گنبد می‌گذشت و حال آن که محور ایوان از جانب دیگر بود (و تصویر آن در کتاب لاگوست دیده می‌شود). امروزه این ایوان به یک برکه<sup>۱</sup> آجری کوچک محدود شده است. بخش بیرونی باغ برای ساختن یک فضای سبز بی‌نام با هیئتهای ناهنجار دایناسورها، سخت آسیب دیده است. آخرین آسیب به باغ در سال ۱۳۷۹ به هنگام تعریض و اصلاح خیابان استانداری روی داد. سالها پیش از آن خسارات بیشتر و سنگین تری به باغ رسید، یعنی در هنگامی که برای کشیدن یک خیابان مشابه حمام معروف خسروآقا که از آثار ارزشمند دوره قاجار بود به سختی آسیب دید و کمی بعد به کلی ویران شد با این دستاویز که به یک خیابان عریض تر نیاز دارند.

ج) راه ارتباطی میان باغ بلبل و باغ گل‌دسته. در کنار مجموعه معروف عمارت هشت بهشت قطعاً ساختمانهای کوچک و بزرگ دیگر در درون باغ وجود داشته‌اند که به صورت دایره عمارت را در میان می‌گرفته‌اند و یک محور یا چشم‌انداز بصری پدید می‌آورده‌اند که یک سر آن به عمارتی می‌رسیده است که یک نقشه مرکزی هشت ضلعی داشته‌است و به نام گل‌دسته معروف بوده است. این عمارت در دوره قاجار از پی ریشه‌کن شد، ولی اکنون موضع دقیق آن عمارت زیبایی از میان رفته برای ما روشن شده‌است، بویژه که تصویر دقیقی از آن به وسیله اسلوتان در نیمه دوم قرن گذشته باقی مانده‌است.

د) دیوار اصلی جنوبی. وقتی که مقامات شهرداری تصمیم به خراب کردن فضای فقیرنشینی که در حاشیه دیوار جنوبی باغ پدید آمده بود، گرفتند، ما توانستیم آن منطقه را بهتر بشناسیم و اهمیتی را که در گذشته داشته‌است درک کنیم. اهمیتی که تا آن هنگام به کلی ناشناخته مانده بود. این دیوار مشخص‌کننده مرز میان دو منطقه سلطنتی بوده است و در عین حال آخرین نشانه بازمانده از راهرویی که به کاخ سلطنتی می‌رسیده است و به شاه امکان می‌داده است تا مخفیانه از یک باغ به باغی دیگر و از یک عمارت به عمارتی دیگر برود. این راهرو وسیله‌ای بوده است (که البته در آن روزگاران بسیار مطلوب و ضروری می‌بوده) تا امنیت و نیز زندگی خصوصی شاه محفوظ بماند و از آن نه تنها در موارد رسمی (مثلاً رفتن به مسجد برای نماز) بلکه در موارد فعالیت (مثل رفتن از یک نقطه به نقطه دیگر به طور خصوصی یا رسمی) حفاظت نماید. این وسیله یا امکان را «ساباط» می‌نامیدند.

ما توانستیم فقط حدود و اندازه‌های این راه ارتباطی را بازسازی کنیم و موارد شاخص آن را تشخیص بدهیم (این راه در بسیاری از اوقات بسته می‌شده است). در این قسمت همچنین یک برج تقریباً هشت گوشه را پیدا کردیم و به ایوانی رسیدیم که به صورت زیبایی با «هفت رنگی» تزئین شده بود.